

# عدم تمکین زن ، در صورت ابتلای مرد به بیماری مقاربتی

عکس: [Bigstock.com](http://Bigstock.com)exopixel/

ماهرخ غلامحسین پور

بیمارانی که شاهد از کارافتادگی و نابودی بخشی از اندام‌های فیزیکی و میزان قابل توجهی از رمق و شادمانی و میل به زندگیشان هستند، آیا می‌توانند ازدواج و زندگی عادی داشته باشند؟

آیا مبتلایان به «اچ. آی. وی» هیپاتیت «یا سایر بیماری‌های خطرناک می‌توانند ازدواج کنند؟ آدم‌هایی که مادرند، کودکش یا بخشی از خانواده عزیز و دوست داشتنی ما هستند و تا چندی قبل سالم و رها و شاداب بوده‌اند و هنوز هم نه کمتر از هر انسان دیگری روی این کره خاکی میل به زیست و زندگی دارند می‌توانند با چه شرایط حقوقی ازدواج کنند یا تن به جدایی بدهند؟ حق و حقوق همسر یک بیمار مبتلا به اچ آی وی چیست؟

تا پیش از این و روزهای نخستی که آگاهی نسبت به بیماری ایدز یا سایر بیماری‌های خطرناک بسیار محدود و مبهم و تاریک بود، این تصور وجود داشت که بیماران مبتلا به این دشواری‌ها، حق ازدواج یا یک زندگی طبیعی را نخواهند داشت. اما امروزه نگاه به این مسئله از دریچه متفاوتی است.

بیماری‌های لاعلاج خط قرمز بین مرگ زیستن و مردن نیستند و بیماران لاعلاج هیچ نوع ممنوعیتی برای ازدواج ندارند، این بیماران حق زندگی و زیست طبیعی دارند.

با این نگاه که بایستی با مراعات حق و حقوق دیگری او را در معرض خطرهای احتمالی قرار ندهد. همان طور که یک بیمار حق زیست دارد، موجبات آزار همسر یا زمینه برای ابتلای شریک زندگی اش به انواع دردها نیز نباید فراهم باشد.

بررسی حقوقی این مقوله که آیا مبتلایان به بیماری‌های خطرناک حق ازدواج و فرزندآوری دارند یا خیر؟ مبحثی است که با خانم «نسرین معروف خانی»، حقوقدان ساکن تهران در میان گذاشته‌ایم. متن زیر گفت‌وگوی خانه امن با این حقوقدان در تبیین و بررسی این مسئله است.

**خانم «معروف خانی» آیا یک بیمار مبتلا به بیماری خطرناک می‌تواند به لحاظ قانونی ازدواج کند؟ ممنوعیتی برای این پیوند وجود ندارد؟**

از نظر قانون مدنی ایران، اصل اول در هر معامله، قرارداد یا عقد برپایه اراده طرفین است و طبعاً هم ازدواج از همین اصل تبعیت می‌کند.

یعنی در قانون هیچ مانعی برای جلوگیری از ازدواج دو نفر، ابتدا به ساکن وجود ندارد. اما این اصل مطلق نیست یعنی اینکه طبعاً استثنا هم در نظر گرفته شده. از جمله ازدواج با محارم، ازدواج با خواهر همسر (در صورتی که هنوز طلاق صورت نگرفته باشد). ازدواج با زنی که خالی از موانع نکاح نیست. (یعنی زنی که مزدوج است یا در ایام عده طلاق یا وفات شوهر به سر می‌برد) و موارد مشابه.

بنا بر این هیچ منع قانونی برای ازدواج فرد بیمار وجود ندارد و قانون نمی‌تواند مانع شود.

اما نکته دیگر، پیش بینی موردی به نام «فسخ نکاح» است در قانون مدنی ایران مقرر شده که هرگاه عیوبی در یکی از زوجین موجود باشد، برای طرف دیگر، حق «فسخ نکاح» در نظر گرفته شده. یعنی منحل شدن عقد ازدواج به نحوی که گویا هیچ وقت رخ نداده است.

**یعنی فردی که متوجه بیماری صعب‌العلاج همسرش شود به راحتی می‌تواند درخواست طلاق کند و حقوقش در قانون در این مورد دیده شده؟**

البته این شکل از فسخ نکاح با موضوع طلاق متفاوت است. در طلاق،

حقوق و تکالیفی برای طرفین ایجاد می‌شود، ولی در فسخ نکاح، حق و تکلیفی وجود ندارد. با این مقدمه و با توجه به اصل آزادی اراده، ممانعت از ازدواج به خاطر بیماری، خلاف این اصل قانون است. و اساساً با اصول و مبانی میثاق‌ها و قراردادهای مبتنی بر آزادی اراده افراد هم در تقابل است. یعنی بعید است که هیچ سیستم قانونی چنین مجوزی داشته باشد که بتواند برای ازدواج یا عدم ازدواج افراد

جامعه، ولو به سبب بیماری، تصمیم گیری کند و بتواند آن را با محدودیت مواجه سازد.

### مشخصا در مورد ایدز با توجه به اینکه ممکن است طرف مقابل را هم درگیر کند چه؟

به اثبات رسیدن بیماری ایدز، در قانون مدنی ایران مانع ازدواج نیست و قانون چنین ممانعتی ندارد و اساسا چنین ممانعتی هم منطقی به نظر نمی‌رسد، چون در این مورد تصمیم با خود طرف است و هیچ کس برای نفس خود ضرر نمی‌خواهد.

البته در ماده ۳۲۱۱ قانون مدنی به چند عیب اشاره شده که در صورت وجود این عیوب و به شرط آنکه قبل از عقد به این عیوب پی برده شود، حق فسخ نکاح - که قبلا در مورد آن توضیح داده شد- برای طرف مقابل ایجاد می‌شود.

یکی از این عیوب که در بند ۵ ماده ۳۲۱۱ قانون مدنی به آن اشاره شده، «زمین گیری» است که از آن به بیماری صعب‌العلاج تعبیر شده و قابل تسری به بیماری ایدز هم می‌تواند باشد.

### زمین گیری هم برای مرد و هم برای زن می‌تواند منجر به فسخ نکاح شود؟

خیر. این عیب تنها اگر در زن موجود باشد، موجب ایجاد حق فسخ نکاح برای مرد می‌شود و نقطه مقابل (بیماری مرد و حق فسخ نکاح زن) پیش بینی نشده است. (1)

### آیا این قانون تبعیض آمیز نیست؟

در همان ماده ۷۲۱۱ قانون مدنی نکته جالبی در نظر گرفته شده. مفاد این ماده می‌گوید: «هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی شود، زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع کند و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.» «این پیش بینی قانون، خلاء قانونی پیش گفته شده یعنی «فقدان حق فسخ نکاح برای زن در صورت وجود بیماری صعب‌العلاج در مرد» را تا حدودی جبران می‌کند.

اما با این وصف ممکن است فرد مبتلا به بیماری، این مشکلش را از شریک آینده زندگی‌اش پنهان کند.

نه ممکن نیست. در این مورد و در مورد مقوله «فرزند آوری» افراد مبتلا به ایدز، قانون مداخله کرده. تبصره ماده ۳۲ فصل سوم قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱ چنین مقرر داشته است: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آن‌ها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح، گواهی صادر شده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند. چنانچه گواهی صادر شده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است.

در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آن‌ها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند.

بنا بر این چنین ساز و کاری در قانون تعبیه شده و با وجود این که آزمایش HIV در زمره آزمایش‌های ضروری قبل از ازدواج نیست، ولی زوجین می‌توانند با کنار گذاشتن ملاحظات و رو در بایستی انجام این آزمایش را از یکدیگر خواستار شوند و قانون هم از آن‌ها حمایت می‌کند.

### اما اگر عوارض بیماری، تولد فرزند بیمار یا ناقص باشد قانون در این مورد پیش بینی خاصی دارد؟

بله. دقیقا قانون به این مسئله توجه داشته. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.

### اما اگر کودک شکل گرفته باشد چه؟

در آن صورت برای کمک به این افراد و جلوگیری از تولد کودک بیمار و ناقص، به این افراد مجوز سقط جنین داده می‌شود.

البته سقط جنین به طور کلی در قوانین ایران ممنوع است. در ماده ۴۲۶ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، برای کسی که عمل سقط جنین انجام می‌دهد، حبس از دو تا پنج سال و همچنین بر حسب مورد، دیه در نظر گرفته شده، اما در عین حال در مورد برخی بیماری‌ها مجوز سقط جنین به مادر داده می‌شود، که البته باید قبل از چهار ماهگی جنین باشد.

## بدین معنا که فرد مبتلا به ایدز می‌تواند پس از اطلاع از بارداری‌اش نسبت به سقط جنین اقدام کند؟

بله، بیماری‌های شامل مجوز سقط جنین، در قانون نام برده شده، و در بخش بیماری‌های مربوط به مادر بند 14 چنین ذکر شده است: ابتلا به ویروس HIV که وارد مرحله بیماری AIDS شده باشد. اما اگر زوجی نتوانستند به هر دلیلی مطابق این قانون ممنوع النسل شوند یا سقط جنین کنند، مراکز مشاوره برای دادن مشورت به افراد مبتلا وجود دارد و این مراکز با تحت پوشش قراردادن افراد مبتلا و با راهنمایی‌های لازم، در بسیاری از موارد کمک می‌کنند تا فرزندان بدون ابتلا به ایدز متولد شوند.

به عنوان نمونه یکی از مبتلایان به بیماری ایدز می‌گوید: همسرم باردار شد و در روند آزمایشات فهمیدیم که او مبتلا به ایدز است اما خوشبختانه با راهنمایی‌های کادر پزشکی، دخترم سالم به دنیا آمد و اکنون در کلاس چهارم ابتدایی تحصیل می‌کند و یک پسر سالم چهار ساله نیز دارم. این مرد ۱۴ ساله به این نکته اشاره می‌کند که یک سال بعد از این ماجرا نیز آزمایش «اچ. آی. وی» او مثبت بوده و معلوم شده که بیماری ایدز از طریق خودش به همسرش انتقال یافته است.

## ممانعت قانونی از فرزندآوری، خلاف ذات نکاح نیست؟

از نظر شرع و قوانین ایران که برگرفته از شرع است، اقتضای ذات نکاح تنها رابطه زناشویی است و فرزندآوری را شامل نمی‌شود.

## و حرف آخر؟

به نظر می‌رسد مورد ازدواج و فرزندآوری افراد مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج که ایدز نیز شامل آن‌ها می‌شود، فراتر از مواد و پیش‌بینی‌ها و مصوبات قانونی است و مداخله متخصصان علوم دیگر از جمله جامعه‌شناسان، پزشکان و کارشناسان دیگر علوم میانه را می‌طلبد.

**(1) البته در عقده‌نامه‌های چاپی سومین شرط از شروط دوازده‌گانه این است که اگر مرد دچار بیماری خطرناک شود زن حق طلاق خواهد داشت.**

---